

## تفقه، تفکر و تعقل در امور اقتصادی با رویکرد به معاد محوری از منظر قرآن کریم

مولود احمد<sup>۱</sup>

### چکیده:

پیوند معاش و معاد در قرآن دلالت بر تربیت اعتقادی قرآن دارد. آنچه معاش (امور اقتصادی) را در راستای معاد قرار می‌دهد تفقه، تفکر و تعقل مومنانه است در این مقاله نقش آموزه‌های ملهم از قرآن برای تلاش‌های سازنده اقتصادی (تولید، توزیع و مصرف بهینه و هدفمند با رویکرد به معاد محوری مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این مقاله سعی شده است با بررسی آیاتی از قرآن کریم در حوزه اقتصاد با رویکرد به معاد محوری به سالم سازی فضای کسب و کار و فعالیت‌های اقتصادی توجه شود. انسان برای درک حقایق و اوامر و نواهی الهی و تربیت یابی و هدایت نیازمند تفقه، تفکر و تعقل است. قرآن کریم همواره بر اهمیت عقل، تفکر، تدبر و تفقه تاکید فراوان داشته است. بکارگیری این امور در مسائل اقتصادی با رویکرد به معاد زمینه ساز ترقی و رشد جوامع اسلامی و شکل‌گیری تمدن اسلامی می‌باشد. مجموعه آیات اقتصادی قرآن حاکی از آن است که پایه و اساس جامعه‌ی اسلامی باید مبتنی بر تفقه، تفکر، تعقل و علم باشد از این رو بکارگیری روش‌های علمی و عقلایی برای بهره‌مندی از قابلیت‌ها و استعدادها و امکانات به ودیعه گذاشته شده در وجود انسان و طبیعت با تکیه بر تربیت اعتقادی و معاد محوری و علم و دانش تجربی و تدبیر هوشمندانه در امور مختلف از جمله امور اقتصادی ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

کلید واژه: قرآن، تفقه، تفکر، تعقل، اقتصاد، معاد

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران جنوب)، ۰۹۱۲۵۷۷۰۹۱۵  
تاریخ پذیرش مقاله: دی ۹۶ تاریخ داوری: بهمن ۹۶ تاریخ نشر: فروردین ۹۷

با توجه به اهمیت و جایگاه محوری قرآن کریم در بهره مندی از آن برای درک فلسفه حیات، نحوه ی اداره امور و در نهایت اصلاح فرد و جامعه، لازم است آموزه‌ها و رهنمودهای این کتاب حیات بخش در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد تا با پایبندی و عمل به این آموزه‌ها در مسیر درست زندگی قرار گیریم و در نهایت جامعه نیز اصلاح گردد. با توجه به گستردگی آموزه‌ها و هدایت‌های قرآن کریم در حوزه‌های مختلف و محدودیت‌های موجود در زمینه بررسی کامل آن‌ها به یکباره، در این مقاله سعی شده است با بررسی آیاتی چند از قرآن کریم در حوزه اقتصاد در جهت سالم سازی فضای کسب و کار و فعالیت‌های اقتصادی در نتیجه هدایت‌های قرآن کریم گام‌هایی هرچند کوتاه برداشته شود.

قرآن کریم در آیه ۵۴ از سوره مبارکه کهف می‌فرماید: (ولقد صرفنا فی هذا القرآن للناس من کل مثل و کان الانسان اکثر شیء جدلاً) ما در قرآن حقایق را به بیان‌های مختلف آوردیم؛ گاه به صورت سرگذشت گذشتگان، گاه به صورت استدلال و... تا مردم پذیرای حق شوند ولی انسان بیش از هر چیز به مجادله می‌پردازد. خداوند در آیات ۱۵ و ۱۶ سوره مائده می‌فرماید: از طرف خداوند نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد، خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند به راه‌های سلامت هدایت می‌کند و به فرمان خدا از تاریکی‌ها به سمت روشنایی بیرون می‌برد و آنها را به سوی راه راست هدایت می‌نماید.

با توجه به این مطلب روشن می‌شود که انسان همانطور که با تبعیت از اوامر الهی صاحب قدرت تشخیص و روشن بینی می‌شود با ارتکاب گناهان نیز به تدریج راه‌ها و وسایل درک و پذیرش حقایق را در خود از بین می‌برد بنابراین قرآن کریم با بیان حقایق و اوامر و نواهی الهی می‌تواند برای انسان‌های تربیت یافته از هر نظر هادی و راهنما باشد. لذا در قسمت ذیل با مطرح نمودن تنها بخشی از مسائل اقتصادی از منظر قرآن کریم، روشنگری و هدایت‌های قرآنی را در این مسائل بررسی می‌نماییم با امید به آن که در شماره‌های بعدی این نشریه توفیق بررسی آیات دیگر در رابطه با اوامر و نواهی الهی در بعد مسائل اقتصادی در راستای اصلاح و بهبود اوضاع اقتصادی جامعه حاصل شود.

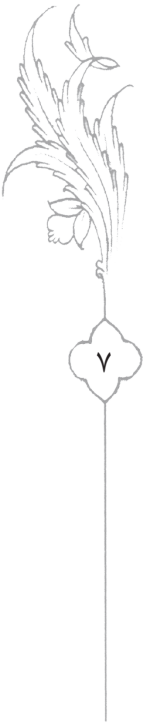


## چار چوب مفهومی:

اهمیتی که فکر و تعقل در شکوفایی کمالات انسان دارد، در قرآن ۴۷ بار کلمه "عقل" ۱۸ بار "فکر"، ۱۶ بار "لب" چهار بار "تدبر" و چند بار "فقه" تکرار شده. برخی از آیاتی که در آن‌ها انسان به تفکر و تفقه فرا خوانده شده، (بقره، ۲۱۹، سبأ، ۴۶ و ۲۶۶؛ انعام، ۵۰؛ آل عمران، ۱۹۱؛ اعراف، ۱۷۶؛ رعد، ۳) تدبر) این است که قلب با توجه به عواقب در کارها می‌اندیشد (مجمع البحرین، ج ۲، ص ۸). ماده دبر فکر و تفکر این است که قلب با توجه به دلائل و برهان در کار یا موضوعی می‌اندیشد. به گفته راغب اصفهانی فکر نیرویی است که علم را به سوی معلوم برد. به گفته فلاسفه حقیقت تفکر مرکب از دو حرکت است، حرکتی به سوی مقدمات هر مطلب، سپس حرکتی از مقدمات به سوی نتیجه که مجموعه این دو حرکت سبب شناخت و معرفت اشیا می‌شود. (انعام، ۶۵ و ۹۸؛ توبه، ۸۱ و ۱۲۳) تفقه تلاش برای فهمیدن ژرف و عمیق است. فقه عبارت است از آگاهی بر مطلب پنهان به کمک مطلب حاضر و موجود. (همان، ج ۳، ص ۴۲) اما معنای عقل و تعقل به نیرویی گویند که انسان نفس خود را حبس کند. نگذارد که هواها به او سرایت نمایند. در اصل از عقال به معنی طنابی است که بر پای شتر می‌بندند تا حرکت نکنند. از آن جا که نیروی عقل انسان را از کارهای ناهنجار باز می‌دارد، عقل گفته می‌شود. (همان، ص ۲۲۲؛ مفردات راغب، ماده عقل) به همین جهت ادراکی که انسان دل به آن می‌بندد و چیزی را با آن درک می‌کند، عقل نامیده می‌شود. هم چنین نیرویی که به واسطه آن خیر و شر و حق و باطل را از یکدیگر تشخیص می‌دهد. مقابل آن جنون، سفه و جهل است. (تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۲۵۰ و ج ۵، ص ۲۶۷)

## شیوه شناخت و تدبیر امور اقتصادی

از آیات قرآن کریم مستفاد است که دست یابی به زندگی شایسته و سالم در گرو بهره‌گیری از معارف آسمانی و تفکر و تعقل است و باید خطوط کلی، اصول و شاهراه‌های هدایت را از وحی گرفت و در چارچوب آن‌ها و با کمک قوای ادراکی، اندوخته‌های تجربی را افزایش داد و از این طریق، ابهامات و مشکلات فراروی بشر در زندگی را برطرف کرد. امور اقتصادی بخش مهمی از زندگی انسان را به خود اختصاص داده‌اند. جهت دهی و سامان بخشی اقتصاد از این قضیه مستثنی نیست. بنابراین، برای یافتن اصول و خطوط کلی در مسائل اقتصادی نیز باید به آنچه خالق انسان و زندگی نازل کرده است، مراجعه نمود، حیات طیبه‌ای را که او معرفی کرده، شناسایی و مسیرهای منتهی به آن را از طریق وحی کشف نمود و به وسیله تفقه و تعقل و راه کارهای لازم آن را به کار بست.



## تفقه در احکام اقتصادی

در آیات متعددی خاطر نشان شده است که رهاوردهای وحی انسان را به حقایق هستی واقف و راه‌های نیل به سعادت و فلاح را به او می‌نمایانند، مسیر را برای او روشن ساخته، او را هدایت می‌کنند:

- «و نزلنا عليك الكتاب تبيانا لكل شيء و هدى و رحمة و بُشرى للمسلمين» (نحل: ۸۹)؛ و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است

- «قد جاءكم من الله نور و كتاب مبين يهدي به الله من اتبع رضوانه سبيل السلام و يخرجهم من الظلمات الى النور باذنه و يهديهم الى صراط مستقيم» (مائدة: ۱۵-۱۶)؛ از سوی خدا، نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد. خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پی‌روی کنند، به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند و به فرمان خود، از تاریکی‌ها به سوی روشنایی می‌برد و آن‌ها را به سوی راه راست رهبری می‌نماید.

اذا دعاكم لما يحييكم» (انفال: ۲۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید، هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد. علاوه بر آیات مزبور که بر هدایت انسان به صورت کلی تأکید دارند، در آیات بسیاری نیز رهنمودهای جزئی و مشخص در مسائل گوناگون اقتصادی وجود دارند:

- «أحلَّ اللهُ البيعَ و حرَّم الرِّبا» (بقره: ۲۷۵)؛ خدا بیع را حلال کرده است و ربا را

- «أوفوا بالعقود» (مائدة: ۱)؛ به پیمان‌ها (و قراردادهای) وفا کنید.

- «يا أيُّها الَّذِينَ آمَنُوا لا تَأْكُلُوا أَمْوَالِكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ الاَّ أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ.» (نساء: ۲۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید، مگر این که تجارتي با رضایت شما انجام گیرد.

- «أوفوا الكيلَ اذا كَلْتُمْ و زنوا بالقسطاسِ المستقيمِ ذلكَ خَيْرٌ و احسنُ تأويلاً» (اسراء: ۳۵)؛ و هنگامی که پیمان‌ها را کنید، حق پیمان‌ها را ادا نمایید و با ترازوی درست وزن کنید. این برای شما بهتر و عاقبتش نیکوتر است.

- «و اعلموا أنَّما غنمتم من شيءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ و للرسولِ و لذی القربى و الیتامى و المساکین و ابن السبیل» (انفال: ۴۱)؛ هرگونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا و برای پیامبر و برای نزدیکان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه است.

- «ولو أنَّ اهلَ القرى آمَنوا و اتَّقوا لفتحنا علیهم بركاتِ من السماءِ و الارضِ» (اعراف: ۹۶)؛ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، بركات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم.



از سوی دیگر، قرآن کریم بر فهم دقیق و عمیق معارف و حیانی با عنوان «تفقه در دین» تأکید کرده است: «فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفة ليتفقهوا فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون» (توبه: ۱۲۲)؛ چرا از هر گروهی از آنان (مؤمنان)، طایفه ای کوچ نمی کند (و طایفه ای در مدینه بماند) تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آن‌ها را بیم دهند؟ شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند و خودداری کنند. در تفسیر این آیه کریمه، آمده است: «مراد از تفقه، تفهم جمیع معارف دینی از اصول و فروع است.» بر این اساس، اهتمام به تفقه در دین، از جمله در قلمرو احکام اقتصادی، لازم و ضروری است.

## تعقل

در کنار تفقه (دریافت معارف و حیانی)، تعقل (وقوف بر دانش تجربی بشری) نیز مورد عنایت ویژه قرآن کریم است. از منظر قرآنی، استفاده از «عقل جمعی» و مشورت با صاحب نظران برای تدبیر امور اجتماعی یک اصل مهم در جامعه توحیدی است: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری: ۳۸)؛ و کارهایشان به صورت مشورت در میان آن‌هاست.

علامه طباطبائی در تفسیر این آیه، یادآور شده اند که از ویژگی‌های مؤمنان آن است که ایشان اهل رشد و رسیدن به واقع هستند و برای دست یابی به نظر صحیح، اهتمام به مراجعه به عقول دارند.

همچنین آیه الله جوادی آملی اظهار داشته اند که در اموری که از قبیل «امرالله» نمی باشند و بلکه «امرالمسلمین» محسوب می شوند (لزوماً) دستورالعمل خاصی از ناحیه شریعت نمی رسد، بلکه مسلمانان از راه مشورت با یکدیگر و استفاده از حاصل تأملات و تعقلات، به تدبیر امور خود می پردازند؛ مثلاً، در مورد این که در چه جایی از کشور لازم است سد ساخته شود و این که نوع آن چگونه باشد (خاکی باشد یا غیر آن) باید از تجارب و نظرات افراد صاحب نظر استفاده کرد.

در قرآن کریم، علاوه بر طرح مسأله «شورا» به عنوان یکی از ویژگی‌های مؤمنان و اشاره به لزوم بهره گیری از «تعقل» برای تدبیر امور (اقتصادی، سیاسی و ...)، در مواردی نیز تلویحاً کاربرد تجارب بشری یادآوری شده است. در آیه ۱۷ از سوره مبارکه «رعد» در مقام مثل زدن برای حق و باطل و بقای حق و زوال باطل، «کف آب» و «کف حاصل از ذوب فلزات» را مطرح کرده، می فرماید: «وَمِمَّا یُوقَدْنَ عَلَیْهِ فِی النَّارِ ابْتِغَاءَ حَلِیْهِ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِّثْلَهُ...»؛ و از آنچه (در کوره‌ها) برای به دست آوردن زینت آلات یا وسایل زندگی، آتش روی آن روشن می کنند نیز کف‌هایی مانند آن (کف آب) به وجود می آید.





این آیه مبارکه به این مطلب اشعار دارد که امثال عملیات ساخت کوره، ذوب فلزات و زدودن ناخالصی آنها و به کارگیری فلزات در امور زندگی، که حاصل تجربه و تعقل انسان هاست، يك روش جاری در جامعه اسلامی است و از همین قبیل است: «واذکروا اذ جعلکم خلفاء من بعد عاد و بوکم فی الارض تتخذون من سهولها قصوراً و تحتون الجبال بیوتاً فاذکروا آلاء الله و لا تعثوا فی الارض مفسدین.» (اعراف: ۷۴)؛ و به خاطر بیاورید که شما را جانشینان قوم عاد قرار داد و در زمین مستقر ساخت که در دشت هایش، قصرها برای خود بنا می کنید و در کوه ها، برای خود خانه ها می تراشید. بنابراین، نعمت های خدا را متذکر شوید و در زمین، به فساد نکوشید. در این آیه مبارکه نیز تصرّف در منابع طبیعی برای تدارک امور معیشتی، که مستلزم به کارگیری دانش و تجربه بشری است (مانند ابداع ابزارها و شیوه های مناسب برای ساختمان سازی)، خاطر نشان شده، و اشعار دارد بر این که این عمل، يك روش جاری در جامعه است. مجموعه این آیات ما را به این مطلب رهنمون می سازند که در جامعه اسلامی، شیوه های عقلایی لازم برای بهره گیری از امکانات و قابلیت های به ودیعه نهاده شده در طبیعت از يك سو، و استفاده از عقل جمعی و تدبیر عقلایی امور امت اسلامی از سوی دیگر، در کنار تفقه در دین و التزام عملی به معارف و حیانی، مورد پذیرش و تأکید قرآن کریم است.

### تجلی توحید در اقتصاد

از دیدگاه قرآن کریم، تمامی کاینات از جمله انسان، منابع، و ابزارهای تولید مخلوق خداوند علیم و حکیم هستند. همچنین هرگونه فعالیت از جمله فعالیت های تولیدی و فرایند شکل گیری آن نیز مخلوق خداوند می باشد و مستقل از اراده او جلّ و علی نمی تواند تحقق یابد. قرآن کریم اصرار دارد به انسان پیاموزد و به این نکته توجه دهد که از عوامل زمینه ساز گرفته تا عوامل مباشر در تولید، همه مخلوق اویند:

- «هو الذی یُرسل الریح بُشراً بین یدی رحمته حتی اذا اقلّت سحاباً ثقلاً سُقناه لبلد میّت فانزلنا به الماء فاخرجنا به من کلّ الثمرات» (اعراف: ۵۷)؛ او کسی است که بادهای را بشارت دهنده در پیشاپیش (باران) رحمتش می فرستد تا ابرهای سنگین بار را (بر دوش) کشند؛ (سپس) ما آنها را به سوی زمین های مرده می فرستیم و به وسیله آنها، آب (حیاتبخش) نازل می کنیم و با آن، از هرگونه میوه ای (از خاک تیره) بیرون می آوریم.

- «و جعلنا آیه النهار مبصره لتبتغوا فضلا من ربکم» (اسراء: ۱۲)؛ و نشانه روز را روشنی بخش ساختیم تا (در پرتو آن) فضل پروردگارتان را بطلبید (و به تلاش زندگی برخیزید

.) «ربکم الذی یزجی لکم الفلک فی البحر لتبتغوا من فضله» (اسراء: ۶۶)؛ پروردگارتان کسی است که کشتی را در دریا برای شما به حرکت درمی آورد تا از نعمت او بهره مند شوید.

- «سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَمِيعاً مَنَّهُ» (جاثیه: ۱۳)؛ او آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است، همه را از سوی خود مستخر شما ساخته

. «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولاً فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» (ملک: ۱۵)؛ او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه‌های آن راه بروید و از روزی‌های خداوند بخورید؛ و بازگشت و اجتماع همه به سوی اوست.

- «أَفَرَأَيْتُمَا تَحْرَثُونَ، ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ، لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حِطَاباً فَطَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ» (واقعہ: ۶۳-۶۵)؛ آیا هیچ درباره آنچه کشت می‌کنید، اندیشیده‌اید؟ آیا شما آن را می‌رویانید یا ما می‌رویانیم؟ هرگاه بخواهیم آن را مبدل به کاه درهم کوبیده می‌کنیم که تعجب کنید

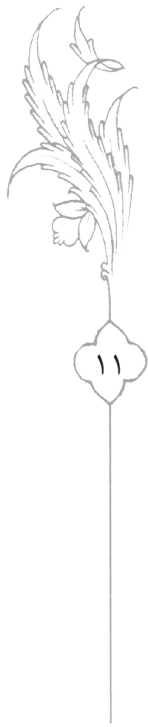
- «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ» (صافات: ۹۶)؛ و خداوند، هم شما را آفرید و هم آنچه را می‌سازید. هرچند انسان با اراده خود کار می‌کند، ولی اراده خداوند نیز به آن تعلق گرفته است؛ او نمی‌تواند مستقل و بی‌نیاز از خداوند متعال منشأ اثر باشد و بنابراین، فعالیت‌های او مستند به خداوند متعال هستند

«توحید» نه تنها در «تولید» تجلی می‌کند، که قرآن کریم در «توزیع» نیز می‌گوید: «لَهُ مُقَالِدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِيَسْطِ الرِّزْقِ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ، إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (شوری: ۱۲)؛ کلیدهای آسمان‌ها و زمین از آن اوست. روزی را برای هر که بخواهد گسترش می‌دهد یا محدود می‌سازد. او به همه چیز داناست. بر این اساس، تسهیم محصول ملی بین افراد جامعه نیز نمی‌تواند مستقل از خواست الهی تحقق پذیرد.

موخدان در عرصه فعالیت‌های اقتصادی همواره دستی غیبی احساس می‌کنند که هدایتگر فعالیت‌ها و رخدادهای اقتصادی است؛ همانند آنچه‌آدام اسمیت تحت عنوان «دست نامرئی» مطرح می‌کرد، اما تفاوت بین این دو بسیار است. بر اساس بینش توحیدی، مردم در سخت‌ترین شرایط اقتصادی، دچار یأس نمی‌شوند و در بهترین شرایط اقتصادی، از یاد خدا و اطاعت و عبودیت او غافل نمی‌گردند؛ زیرا مؤثر حقیقی را خداوند متعال می‌دانند. در زمان رکود یا بحران، چشم امید به رحمت و اسعه او و گشایش در امور دارند و در هنگام رونق، احساس بی‌نیازی نکرده، طغیان نمی‌کنند؛ چرا که اگر او نخواهد، فراوانی محصول دوام نخواهد یافت.

## عملیات اقتصادی؛ مظهري از عبودیت

از دیدگاه قرآن کریم، فعالیت‌های اقتصادی و مبادرت به بهره‌گیری از مواهب طبیعی برای تأمین معاش، می‌تواند يك عمل عبادی و مظهري از عبودیت خداوند متعال باشد. در آیه ۱۵ سوره «ملک» آمده است: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولاً فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ»؛ او کسی است که زمین را رام کرد، بر شانه‌های آن راه بروید و از روزی‌های خداوند بخورید و بازگشت و اجتماع همه به سوی اوست. در این





آیه مبارکه، پس از یادآوری نهایت رام بودن زمین و آمادگی کامل آن برای بهره دهی، ترغیب بلیغ به بهره گیری از آن شده است. به راستی، اگر تنها همین آیه برای ترغیب به پرداختن به طبیعت و استفاده از مواهب آن می بود، بر انگیزنده ای قوی برای تلاش های اقتصادی به شمار می آمد.

روشن است انسانی که براساس این آیه کریمه (و آیات دیگری که معنایی قریب به آن دارند) اقدام به فعالیت های اقتصادی می کند، نه تنها خود را از زیّ عبودیت بیرون نمی بیند، بلکه خرسند است که با امتثال امر الهی در حوزه فعالیت های اقتصادی، شأنی از شئون عبودیت را عینیت بخشیده است. البته همان گونه که خود قرآن کریم متذکر شده است، نباید پرداختن به امور معیشتی به گونه ای باشد که غفلت از یاد خداوند متعال را به همراه داشته باشد. همچنین نباید از راه های باطل نیازهای معیشتی خود را تأمین کرد و باید مراقب بود تا رذیله بخل را از خود دور ساخت، و از پرداخت های مالی واجب و مستحب دریغ نورزید. این نظر که عملیات اقتصادی می تواند مظهري از عبودیت خداوند متعال باشد، موجب منزوی شدن افکار و افرادی است که ایمان به خدا و تقیّد به دیانت را مانع فعالیت های اقتصادی و تحقق رفاه اجتماعی می دانند. به راستی که قرآن کریم هدایتگر سُبُل سلام است و اگر مردم به طور جامع به رهنمودهای قرآنی عمل کنند، از برقراری اقتصاد سالم و تحقق رشد اقتصادی همراه با عدالت، کرامت و نورانیت برخوردار خواهند شد؛ چرا که آموزه های ملهم از قرآن کریم از يك سو، سبب پیدایش انگیزه مثبت برای تلاش های اقتصادی و از سوی دیگر، سبب مصونیت از آفات زیان باری خواهد بود که همواره در راه تحقق تولید و توزیع بهینه پیش روی جوامع هستند.

### نقش امامت (رهبری و دولت) در اقتصاد

اصل «امامت» ناظر به مسأله حکومت و رهبری در جامعه است. در جهت اصل «توحید»، که حق حاکمیت را از آن خداوند متعال می داند، افرادی که از جانب او جَلّ و علیّ مآذون به عهده داری امر حکومت هستند، مسؤولیت اجرای احکام ثابت الهی را از جانبی و تدبیر امور اجتماعی، از جمله سیاست گذاری ها و تنظیم امور اقتصادی در سطح کلان متناسب با شرایط و مقتضیات زمان و مکان را از جانبی دیگر، به عهده می گیرند.

از اهمّ وظایف دولت اسلامی، می توان اهتمام به برقراری عدالت را ذکر کرد. قرآن کریم به صراحت مأموریت یافتن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، بزرگ رهبر جامعه اسلامی، برای برقراری عدالت در بین مردم را در آیه ۱۵ سوره مبارک «شوری» خاطر نشان ساخته است: «انّی أمرتُ لاعدلَ بینکم»؛ من مأمورم در میان شما عدالت کنم (به عدل و داد رفتار کنم).



ترمیم کاستی‌ها و نارسایی‌های عملکرد بازار آزاد، ممانعت از اجحاف به عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان کالاها و خدمات، تأمین اجتماعی، اتخاذ تدبیر صحیح و کارآمد برای گردش سالم پول در بخش حقیقی اقتصاد و وضع مقررات مالیاتی عادلانه، مصادیق شاخصی برای اجرای عدالت در قلمرو اقتصاد توسط دولت به شمار می‌آیند. معلوم است که اجرای عدالت، هم نیازمند وضع مقررات عادلانه متناسب با شرایط و مقتضیات است و هم نیازمند اجرای صحیح قوانین مزبور.

مردم نیز موظف به اطاعت از ولیّ امر مسلمانان می‌باشند: «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم» (نساء: ۵۹)؛ اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالامر را. همچنین حرکت در جهت سیاست‌ها و برنامه‌های دولت اسلامی و بذل مساعدت و همکاری‌های لازم، بخصوص پرداخت مالیات‌های مقرّر، از دیگر وظایف آنان محسوب می‌شود: «خذ من اموالهم صدقةً تطهّرهم و تزكّیهم بها» (توبه: ۱۰۳)؛ از اموال آن‌ها صدقه‌ای (به عنوان زکات) بگیر تا به وسیله آن، آن‌ها را پاک‌سازی و پرورش دهی.

### نقش توجه به معاد در اقتصاد

بنا به تأکید قرآن، اعمال انسان در روز قیامت مورد ارزیابی و محاسبه قرار گرفته، به هر کس متناسب با رفتاری که در دنیا داشته است، جزا داده می‌شود. یاد قیامت و خوف از سوء الحساب در یوم الحساب، نقش مؤثری در تصحیح رفتارهای انسان از جمله رفتارهای اقتصادی او دارد. مسلماً مراقبت درونی مداوم توسط افراد، عاملی مهم برای تحقق رفتارهای عادلانه و به حق اقتصادی است، این امر تأثیر بسزایی در سلامت و رشد اقتصادی و برقراری رفاه و آرامش عمومی و حفظ کرامت انسان‌ها دارد. طبیعی است با ورود به عرصه زندگی و اعتقاد به ادامه زندگی پس از مرگ، افق زمانی تغییر می‌کند و نه تنها از کوتاه مدت به بلند مدت، که به ابدیت تبدیل می‌شود. اعتقاد به این که انسان پس از مدتی کوتاه، آن هم به صورت نامشخص به نیستی تبدیل شود، با این اعتقاد که فرصتی کوتاه در اختیار است و باید توشه ابدی برای خود فراهم ساخت، به شدت در رفتار انسانی تأثیر متفاوت خواهد داشت. با نگرش به معاد، دیگر بهترین نظریه مصرف، نظریه «مصرف‌مندیگلیانی» نخواهد بود. او دوران عمر را به سه دوره پیش از بلوغ، بلوغ و دوران بازنشستگی تقسیم می‌کند؛ در دوران بلوغ است که باید درآمد کسب کرده، علاوه بر مخارج ایّام بلوغ، قرض پیش از بلوغ و هزینه دوران بازنشستگی را نیز تأمین کرد.

. با تغییر افق زمانی و دیدگاه «الدنيا مزرعه الآخرة»، بسیاری از واژه‌های اساسی اقتصاد مفاهیمی وسیع تر به خود می‌گیرند، به ویژه مفاهیمی همچون «مطلوبیت» و «سود» که از مفاهیم مبنایی در اقتصاد هستند، ساختار انگیزش را تشکیل می‌دهند. نیروی محرک مصرف مطلوبیت، و هدف مصرف‌کننده حداکثر کردن آن





است و انگیزه کار و تلاش‌های تولیدی کسب سود، و هدف تولیدکننده حداکثر نمودن آن می باشد. با اعتقاد به معاد، متعلق «لذت» و مفهوم «سود» تفاوت اساسی پیدا می کند. نه تنها افراد معتقد به معاد منافع جهان پس از مرگ را نیز مورد عنایت قرار می دهند، بلکه به دلیل ابدیت حیات اخروی و مخلد بودن انسان در آن جا، اهمیت بیش تری به آخرت می دهند. به همین دلیل، صله رحم، احسان، انفاق، رعایت حقوق دیگران و تولید بی عیب و نقص (اتقان در تولید)، خواه نظام نظارت کننده ای باشد یا نباشد، توجیه جدی پیدا می کند، فعالیت‌های اقتصادی رنگ و بوی عبادی به خود می گیرد و پاداش‌های اخروی، انگیزه را برای فعالیت‌ها تشدید می سازند. همچنان که عقوبت‌های سنگین اخروی فرد را از تعرض به حقوق دیگران و ارتکاب جرایم، از جمله جرایم اقتصادی، باز می دارند.

قرآن کریم از روش انداز به عذاب‌های اخروی و وعده پاداش اخروی برای تحقق رفتارهای بهینه اقتصادی استفاده کرده است. در آیات ۱ تا ۷ سوره «مطففین» در خصوص تصحیح و سلامت مبادلات اقتصادی در جامعه با تأکید هرچه تمام تر، مسأله قیامت را متذکر شده، می فرماید: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ إِلَّا يِظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفَجَارِ لَفِي سَجِّينٍ وَمَا أَدْرِيكَ مَا سَجِّينٌ» (مطففین: ۱-۷)؛ وای بر کم فروشان! آنان که وقتی برای خود پیمانه می کنند، حق خود را به طور کامل می گیرند، اما هنگامی که می خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند، کم می گذارند. آیا آن‌ها گمان نمی کنند که برانگیخته می شوند، در روزی بزرگ؟! روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می ایستند. چنین نیست (که آن‌ها درباره قیامت می پندارند)، به یقین نامه اعمال بدکاران در سجین است. از این آیات برمی آید که بروز مفاسد اقتصادی نشان از عدم اعتنا به معاد دارد و بنابراین، می توان گفت که از دیدگاه قرآن کریم، توجه به روز قیامت و روز محاسبه اعمال عاملی مهم برای جلوگیری از مفاسد اقتصادی است.

## عدالت در عملیات اقتصادی

اصل «عدالت» یکی از بنیانی ترین معارف قرآن کریم است؛ و رعایت عدالت و برقراری قسط در شؤون فردی و اجتماعی انسان‌ها، از جمله فعالیت‌های اقتصادی، یکی از اهداف بسیار بلند اقتصاد اسلامی محسوب می شود: «لقد ارسلنا رُسُلنا بالبينات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد فيه بأس شديد و منافع للناس» (حديد: ۲۵)؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند، و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است.

نحوه بیان اهمیت فراوان «قسط» در این آیه شریفه از لطافت و عنایت شایانی برخوردار است؛ هم فرو فرستادن «میزان» (که ابزار و شاخص برقراری قسط است) در کنار فرو فرستادن «کتاب» (که دارای جلالت و عظمت بسیار زیاد است)، و هم برشمردن برقراری عدالت از اهداف ارسال رسولان الهی، نشانگر اهمیت زایدالوصف اصل عدالت از دیدگاه قرآن کریم است.

و نیز در آیه ۱۵ سوره «شوری» به صراحت، مأموریت یافتن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برای برقراری عدالت در بین مردم مطرح شده است: «انّی أمرتُ لاعدلَ بینکم» (نساء: ۱۳۵)؛ من مأمورم در میان شما عدالت کنم (به عدل و داد رفتار کنم).

در آیه ۱۳۵ سوره مبارکه «نساء» نیز مؤمنان مؤکداً مأمور به برپایی قسط شده اند: «یا ایّها الذّین آمنوا کونوا قوّامین بالقسط»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، کاملاً به عدالت قیام کنید. در آیه ۹۰ سوره «نحل» هم آمده است: «انّ الله یأمر بالعدل و الاحسان»؛ خداوند به عدل و احسان فرمان می دهد.

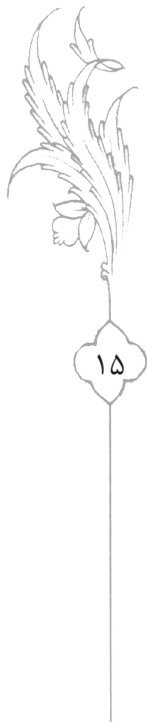
همچنین قرآن کریم در خصوص داد و ستد بر مبنای عدالت و قسط با تأکید فراوان، یادآور شده است:

- «الرّحمنُ علّم القرآن خلق الانسان علمه الیّان الشمس و القمر بحسبان و النجم و الشجر یسجدان و السماء رفعها و وضع المیزان الاّ تطغوا فی المیزان و اقیموا الوزن بالقسط و لا تخسروا المیزان» (الرحمن: ۹۱)؛ خداوند رحمان قرآن را تعلیم نمود، انسان را آفرید و به او بیان آموخت. خورشید و ماه با حساب منظمی می گردند و گیاه و درخت برای او سجده می کنند. و آسمان را برافراشت و میزان و قانون (در آن) گذاشت تا در میزان طغیان نکنید (و از مسیر عدالت منحرف نشوید) و وزن را بر اساس عدل برپا دارید و میزان را کم نگذارید.

- «اوفوا الکیل و زنوا بالقسطاس المستقیم ذلك خیر و احسن تأویلاً» (اسراء: ۳۵) هنگامی که پیمانانه می کنید، حق پیمانانه را ادا نمایید و با ترازوی درست وزن کنید. این برای شما بهتر و عاقبتش نیکوتر است. - «لا تبخسوا الناس اشیاءهم» (هود: ۸۵)؛ و بر اشیا (و اجناس مردم) عیب نگذارید و از حق آنان نگاهید.

در مورد «قسط در مبادلات» چند نکته مهم قابل ملاحظه اند:

۱. در آیه ۳۹ سوره «اسراء» یادآوری شده است که برقراری قسط در مبادلات، که پیش تر ذکر گردیده، از احکام حکیمانه خداست: «ذلک ممّا اوحی الیک ربّک من الحکمه» (اسراء: ۳۹) این احکام از حکمت‌هایی است که پروردگارت به تو وحی فرستاده است. بنابراین، اصل «عدالت» در اقتصاد یک اصل حکیمانه و واقع‌گرایانه به شمار می رود که سلامت و رشد اقتصاد رهین آن است.





۲. همچنان که ناقص تحویل ندادن کالایی که فروخته می شود مورد تأکید است، عیب نگذاشتن روی کالایی که خریداری می شود و ناقص پرداخت نکردن ثمن آن نیز مورد تأکید است.

۳. توزین کامل و اجتناب از کم فروشی، عاقبتی خوش به دنبال دارد (ذَلِكَ خَيْرٌ وَ احْسَنُ تَأْوِيلًا). شاید بتوان گفت شخصی که با کم فروشی در صدد است در کوتاه مدت ثروت بادآورده ای انباشته کند، نباید از این نکته غافل باشد که رواج کم فروشی در جامعه در دراز مدت پیامدهای سوء فراوانی به همراه خواهد داشت؛ از جمله این که خود او نیز کالاها و خدمات را به طور ناقص (و گران) دریافت خواهد کرد و بنابراین، ثروت او همواره در حال کاهش و زوال خواهد بود. افزون بر این، «کم فروشی»، که نوعی سرقت است، يك انحطاط اخلاقی و آفت شخصیتی برای افراد جامعه به بار می آورد. همچنین امنیت خاطر مردم در مبادلات و فعالیت‌های اقتصادی دچار آسیب گشته، سطح رضایت خاطر آنان از حاصل تلاش‌های اقتصادی یکدیگر کاهش می یابد. قطعاً یکی از مظاهر حضور قرآن در صحنه زندگی، جلوه گری عدالت در زمینه‌های گوناگون آن است و همان گونه که از آیاتی که ذکر شدند برمی آید، اجرای عدالت تنها وظیفه منیع رهبری و دولت اسلامی نیست، بلکه مردم نیز به نوبه خود، موظف به انجام این مهم می باشند. البته مسئولیت دولت بسیار سنگین تر است؛ چرا که با ابزارها و قدرت‌های منحصر به فردی که در اختیار دارد، نقش بسیار تعیین کننده ای در سوق دادن جامعه به سوی انجام امور بر مبنای عدالت دارد. مسلماً در رأس برنامه اجرای عدالت، وضع مقررات عادلانه از سوی قوه مقننه است و بدون تردید، آغاز بسیاری از بی عدالتی‌ها، وضع مقررات نابخق و تبعیض آلود است. همچنین نهادها، سازمان‌ها، تشکل‌ها و افراد صاحب نفوذ در فرهنگ و افکار مردم و کسانی که ابزارهای اطلاع رسانی را در دست دارند، نقش حساس و تعیین کننده ای در شکل دهی ذهنیات، تمایلات و مطالبات مردم بر اساس حق و عدل دارند. در پایان این مبحث، لازم می نماید خاطر نشان گردد که منادیان و آمران به عدالت باید بدانند که تلاش برای برقراری عدالت در جامعه، کاری بس مقدس و پیامبرگونه است و بنا به گفته قرآن کریم، چنین افرادی در معرض آسیب دیدن و از دست دادن جان خود می باشند (چرا که اجرای عدالت منافع نامشروع تبه کاران را به خطر می اندازد و آنان را به واکنش‌های ایدایی وادار می کند). خداوند متعال می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (آل عمران: ۲۱)؛ کسانی را که به آیات خدا کفر می ورزند و پیامبران را به ناحق می کشند و (نیز) مردمی را به قتل می رسانند که امر به عدالت می کنند، به کیفر دردناک (الهی) بشارت ده!

## اقتصاد در پرتو تزکیه

یکی از درخشان ترین فرازهای قرآن کریم تأکید هرچه تمام تر بر لزوم اهتمام انسان‌ها به «تزکیه نفس» است. اهمیت این مسأله به حدی است که یکی از اهداف بعثت انبیاء (علیهم السلام) تحقق بخشیدن به این مهم عنوان شده: «هو الذی بعث فی الاممین رسولا منهم یتلوا علیم آیاته و یرکبهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین و آخرین منهم لَمَا یلحقوا بهم و هو العزیز الحکیم» (جمعه: ۳ و ۲)؛ او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن‌ها می‌خواند و آن‌ها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد و مسلماً پیش از آن در گم‌راهی آشکاری بودند. و (همچنین) رسول است بر گروه دیگری که هنوز به آن‌ها ملحق نشده‌اند و او عزیز و حکیم است. علامه طباطبائی در المیزان، «زکات» را به معنای رشد شایسته همراه با خیر و برکت، و «تزکیه انسان‌ها توسط رسول الهی» را به معنای رشد دادن آنان به نحو شایسته از راه متّصف کردنشان به اخلاق فاضل و اعمال صالح، دانسته‌اند. در اثر تزکیه، مردم در انسانیتشان به کمال می‌رسند و وضعیتشان در دنیا و آخرت به سامان می‌رسد و از زندگی سعادت‌مندانه و مرگ سعادت‌مندانه برخوردار می‌گردند همچنین برای درک اهمیت فراوان تزکیه از دیدگاه قرآن کریم، کافی است قدری در آیات مبارکه سوره «شمس» تدبّر شود. خداوند متعال پس از یازده قسم به عظیم خلقت و یادآور شدن سرشت انسان و الهام موجبات رشد و تعالی او از یک سو و زمینه‌های سقوط و تباهی او از سوی دیگر، می‌فرماید: فلاح انسان در گرو تزکیه اوست: «والشمس و ضحیها و القمر اذا تلیها و النهار اذا جلیها و اللیل اذا یغشیها و السماء و ما بنیها و الارض و ما طیحیها و نفس و ما سویها فآلهمها فجورها و تقویها قد افلح من زکیها و قد خاب من دسیها» (شمس: ۱-۱۰)؛ به خورشید و گسترش نور آن سوگند، و به ماه هنگامی که پس از آن در آید، و به روز هنگامی که صفحه زمین را روشن می‌سازد، و به شب آن هنگام که زمین را بپوشاند، و قسم به آسمان و کسی که آسمان را بنا کرده و به زمین و کسی که آن را گسترانیده، و قسم به جان آدمی و آن که آن را (آفریده و) منظم ساخته، سپس فجور و تقوا (شر و خیرش) را به او الهام کرده است، که هرکس نفس خود را پاک و تزکیه کرد، رستگار شد، و آن که نفس خود را با معصیت‌و گناه آلوده ساخت، نومید و محروم گشت! از بیانات علامه طباطبائی در این زمینه، استفاده می‌شود که طبع انسان اقتضای رشد شایسته همراه با خیر و برکت را دارد و «تزکیه» به فعلیت رساندن چنین رشدی است و رشد ناشایست بر خلاف اقتضای طبع و سرشت انسان می‌باشد.

با ملاحظه آیات مزبور و آیات فراوان دیگری که به معرفی و بیان هویت انسان و آغاز و فرجام او پرداخته‌اند، درمی‌یابیم که از دیدگاه قرآن کریم، در انسان قابلیت‌ها و استعداد‌های فراوانی نهفته است که بروز و ظهور و فعلیت آن‌ها تا افق‌های بی‌نهایت می‌تواند ادامه یابد و او شگفت‌ترین موجود خاکی است که هم قابلیت دارد در اثر تربیت





صحیح، به مراتب بسیار عالی دست یابد و هم ممکن است در اثر تربیت و رفتار سوء، به هولناک ترین ورطه‌های تباهی سقوط کند. بر این اساس و با توجه به این که رفتارهای انسان متأثر از تفکرات و شخصیت اوست؛ «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ» (اسراء: ۸۴) بگو هرکس طبق روش (و خلق و خوی) خود عمل می‌کند. و نیز «الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَجَسًا» (اعراف: ۵۸)؛ سرزمین پاکیزه (و شیرین) گیاهش به فرمان پروردگارش می‌روید. اما سرزمین‌های بدطینت (و شوره‌زار) جز گیاهی ناچیز و بی‌ارزش از آن نمی‌روید. لزوم توجه عمیق به تزکیه شدن افراد جامعه برای بروز رفتارها شایسته در زمینه‌های گوناگون حیات فردی و اجتماعی، از جمله در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، به خوبی نمایان می‌شود و معلوم می‌گردد که نه نظر خوش بینانه داشتن به عملکرد انسان و جوامع انسانی صحیح است (آن گونه که برخی از اقتصاددانان سنتی عقیده داشتند) و نه نظر بدبینانه داشتن.

چنان که به رغم دیدگاه برخی نظریه پردازان ساده اندیش نمی‌توان به این دل خوش بود که جهت‌گیری قوانین طبیعی حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی افراد جامعه بدون هیچ معارضی به سمت خیر و کمال است و لزوماً اصلاحات امور به صورت خودکار محقق می‌شوند و بنابراین، لازم است جریان امور اقتصادی آزاد و رها باشد تا به طور طبیعی و خودکار، تولید و توزیع بهینه عینیت یابند. گو این که از دیگر سو، نمی‌توان بدبینانه به عملکرد متغیرهای اقتصادی نگرست و آینده‌ای مبهم و نگران‌کننده از حیث اقتصادی برای بشریت ترسیم کرد، بلکه باید مجدانه درصدد تزکیه آحاد افراد جامعه برآمد و با مراقبتی مستمر، برای رشد صحیح هویت انسانی و جلوگیری از بروز انحراف و رشد ناشایست تلاش نمود، تا اسباب و زمینه‌های اصلاحات شئون فردی و اجتماعی افراد، از جمله اصلاحات اقتصادی، فراهم شوند.

در خاتمه این مبحث، لازم به یادآوری است که رابطه «اقتصاد» با «تزکیه» دو سویه است؛ یعنی همچنان که تزکیه در سامان بخشی و اصلاح امور اقتصادی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، فعالیت‌های اقتصادی نیز می‌تواند در تزکیه انسان مؤثر باشند؛ مثلاً، کسی که زکات مال خود را می‌پردازد، باین کار اقدامی در جهت تزکیه نفس خود نموده است: - «الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى» (لیل: ۱۸)؛ کسی که مال خود را (در راه خدا) می‌بخشد تا پاک شود. - «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ» (توبه: ۱۰۳)؛ از اموال آن‌ها صدقه (به عنوان زکات) بگیر تا به وسیله آن، آن‌ها را پاک سازی و پرورش دهی بنابراین همان گونه که ذکر شد عملیات اقتصادی می‌تواند مظهري از عبودیت خداوند متعال باشد. در این جا همچنین تأکید می‌گردد که رفتارهای اقتصادی می‌توانند راهی برای تزکیه شدن انسان باشند و بدین سان، بی‌پایگی القائات کسانی که تلاش‌های اقتصادی را مانعی برای خودسازی و تزکیه نفس می‌دانند، روشن می‌شود.

## تاکید قرآن کریم بر تفقه، تفکر و تعقل در امور اقتصادی

قرآن کریم و در کنار آن عترت پیامبر (ص) بر اهمیت عقل، تفکر، تدبر و تفقه تاکید فراوان دارند. آیات بسیاری از قرآن کریم انسان‌ها را به تعقل فرا می‌خواند و کسانی را که عقل خود را به کار نمی‌گیرند تقبیح کرده و مؤاخذه می‌نماید، برای مثال خداوند در قرآن می‌فرماید:

(... هل يستوی الاعمى والبصیر افلا یتفکرون)، (انعام، آیه ۵۰)

(افلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها)، (محمد، آیه ۲۴)

(افلا یتدبرون القرآن و لوکان من عند غیر الله لوجدوا فیه اختلافا کثیرا)، (نساء، آیه ۸۲)

(... فاقصص القصص لعلهم یتفکرون)، (اعراف، آیه ۱۷۶)

(... و الدار الاخره خیر للذین یتقون افلا تعقلون)، (اعراف، آیه ۱۶۹)

(... فلولاً نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقوا فی الدین و ولینذروا قومهم ... )، (توبه، آیه ۱۲۲)

در سراسر قرآن کریم تعبیرهای تعقل، تدبر، تفکر، تفقه، الوالالباب (صاحب عقل) و اولی الابصار (صاحب بصیرت) دیده می‌شود.

با توجه به آیات فوق و آیات متعدد دیگری از قرآن کریم اهتمام به تعقل، تدبر، تفکر، تفقه در حوزه‌های مختلف از جمله در حوزه مسائل اقتصادی لازم و ضروری است.

قرآن کریم در آیات ۸۴ تا ۹۸ از سوره مبارکه کهف با بیان بخشی از سرگذشت ذوالقرنین می‌فرماید: ذوالقرنین با بکارگیری امکاناتی (اسباب) که در اختیار داشت همچنان به راه خود ادامه داد تا به میان دو کوه رسید. در آنجا گروهی از مردم را یافت که به واسطه سادگی یا عقب ماندگی فکری محتوای سخنان را درک نمی‌کردند آن قوم وقتی قدرت ذوالقرنین را دیدند گفتند: دو طایفه به نام‌های یاجوج و ماجوج هستند که پشت این کوه زندگی می‌کنند در این سرزمین فساد می‌کنند و ما را مورد قتل و اسارت قرار می‌دهند آیا ممکن است ما هزینه ای برای تو قرار دهیم که میان ما و آن دو قوم غارتگر سدی ایجاد کنی که از تجاوز آن‌ها جلوگیری کند؟ ذوالقرنین جواب مثبت می‌دهد اما اضافه می‌کند که آن قدرت و وسعت و مکتبی که خداوند به من ارزانی داشته از مالی که شما وعده ام می‌دهید برتر است و من به آن احتیاجی ندارم. من از شما اجرت نمی‌خواهم اما سدی که خواستید اگر بخواهم آنرا برایتان بسازم باید کمک کنید و کارگر و مصالحش را تامین نمایید قطعات بزرگ آهن را برای من بیاورید و آن‌ها را روی هم بچینید تا کاملاً میان دو کوه را بپوشاند وقتی میان دو کوه کاملاً پر شد دستور داد تا با وسائل موجود آتش تهیه کرده و در آن بدمند تا قطعات آهن سرخ و گداخته بشود یعنی کاری مانند جوشکاری امروزه. آنگاه دستور داد مس ذوب شده برایم بیاورید تا بر روی سد بریزم، هم تو پر می‌گردد و هم از نفوذ هوا و پوسیدگی در امان می‌ماند سر



انجام این سد به قدری نیرومند و مستحکم شد که گروه مفسد دیگر قادر نبودند از آن بالا بروند یا آن را سوراخ کنند. ذوالقرنین با نهایت ادب اظهار می کند این سد از رحمت پروردگارم است چون علم و قدرت و مصالحی که با آن سد راساختم همه از نعمت خداست. با توجه به هدایت های قرآنی در این داستان می توان آموخت در جهان هیچ کاری بدون بهره گیری صحیح از اسبابش پیشرفت نمی کند به همین منظور در بیان این سرگذشت چندین بار روی اسباب تاکید شده است (آیات ۸۴، ۸۵، ۸۹، ۹۲)، نکته مهم تر این که ذوالقرنین با بهره گیری از عقل و درایت، مدیریت صحیح قدرت و قوت و امکانات مادی که خداوند در اختیار وی قرار داده بود توانست با ترکیب صحیح و منطقی عناصر مختلف هر یک به نسبت صحیح در فرآیند ساخت سد چنان سد مستحکمی را بسازد که به بهترین وجه ممکن هدف از ایجادش را محقق سازد.

مجموعه این آیات حاکی از آن است که پایه و اساس جامعه ی اسلامی باید مبتنی بر تفقه، تفکر، تعقل و علم باشد از این رو بکارگیری روش های علمی و عقلایی برای بهره مندی از قابلیت ها و استعدادها و امکانات به ودیعه گذاشته شده در وجود انسان و طبیعت با تکیه بر علم و دانش تجربی و تدبیر هوشمندانه امور مختلف از جمله امور اقتصادی ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

ناگفته نماند بر اساس مطالعات انجام شده در زمینه علل عقب ماندگی مسلمانان، یکی از علت های اصلی عقب ماندگی جوامع اسلامی در عصر حاضر عدم اهتمام به تعقل و تدبر و کسب علم علیرغم تاکید فراوان قرآن کریم و تعالیم اسلامی در خصوص اهتمام به کسب علم و سفارش به تعقل و تدبر که زمینه ساز ترقی و رشد جوامع می باشد شناخته شده است.

### توجه به معاد در اقتصاد

قرآن می فرماید: (... وهو الذی الیه تحشرون) (انعام، آیه ۷۲)، خدا کسی است که حشر و بازگشت همه به سوی اوست.

(و ان ربک هو یحشرهم انه حکیم علیم) (حجر آیه، ۲۵)، پروردگارت قطعا همه را در قیامت جمع می کند چون حکیم است و عمل بیهوده ای مانند آفرینش بی نتیجه انجام نمی دهد پس باید حیات دیگری باشد تا به حساب همه رسیدگی نماید و علیم است و فردی را از قلم نمی اندازد و یا عملی از او پنهان نمی ماند.

(ویل للمطففین..... لیوم عظیم) (مطففین آیات ۶-۱)، وای بر کم فروشان..... آیا گمان نمی کنند که در قیامت برانگیخته می شوند.....

(... اوفوالمکیال و المیزان بالقسط ولا تبخسو الناس اشیاءهم ولا تعثوا فی الارض مفسدین) (هود، آیه



.... پیمانہ و وزن را با عدالت تمام دهید و بر اشیاء (اجناس) مردم عیب نگذارید و از حق آنان نگاهید و در زمین به فساد نکوشید.

(افوال کیل ولا تکونوا من المخرین\* و زنوا بالقسطاس المستقیم\* ولا تبخسوا الناس اشیاء هم ولا تعثوا فی الارض مفسدین) (شعرا آیات ۱۸۱-۱۸۳)، وقتی حجم کالایی را اندازه می‌گیرید حق پیمانہ را اداء کنید و کم فروشی نکنید و مردم را به خسارت نیندازید و وقتی وزن کالایی را اندازه می‌گیرید با ترازوی مستقیم و درست وزن کنید.

و "بخس" نکنید یعنی حق مردم را کم نگذارید و بدین ترتیب در زمین فساد نکنید البته اگر تمام معانی بخس و خسارت در نظر گرفته شود غیر از کم فروشی موارد دیگری مانند غش و احتکار و.... را نیز در برمی‌گیرد بنابراین بر اساس آیات قرآن کریم کم فروشی نوعی فساد در زمین است زیرا وقتی کم فروشی در زمین شایع گردد مردم اعتماد خود را نسبت به هم از دست داده در این صورت امنیت و تعاون در جامعه از بین می‌رود زیرا اعتماد مردم به یکدیگر خود یک سرمایه عظیم اجتماعی محسوب می‌شود که در نبود این سرمایه عظیم فضای کسب و کار رونق خود را از دست می‌دهد و فعالیت‌های اقتصادی گسترش نمی‌یابد در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی اتفاق نخواهد افتاد.

قرآن می‌فرماید: (اولم یروا ان الله یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر ان فی ذلک لآیات لقوم یؤمنون\* فات ذالقریبی حقہ و المسکین و ابن السبیل ذلک خیر للذین یریدون وجه الله و اولئک هم المفلحون) (روم آیات، ۳۸-۳۷) آیا ندید که خدا روزی را برای هر کس که بخواهد گسترده یا تنگ می‌سازد یعنی نه آمدن نعمت‌ها باید مایه غرور و سرمستی شود و نه رفتن آنها موجب یاس و ناامیدی، چون رزق و وسعت و تنگی روزی به دست خداست لذا گاهی مصلحت را در وسعت و گاهی در تنگ ساختن می‌بیند. چون رزق و تنگی و وسعت آن به دست خداوند است در نتیجه انسان مالک آن چه که دارد نیست بلکه دیگران نیز در اموالش سهم دارند بنابراین در آیه ۳۸ از سوره روم می‌فرماید: پس حق نزدیکان و مسکینان و در راه ماندگان را ادا کن این برای آنها که وجه الله و رضایت خدا را می‌طلبند بهتر است و چنین کسانی رستگارانند.

خداوند در سوره بقره آیه ۱۹۵ می‌فرماید: در راه خدا انفاق کنید و و با ترک انفاق خود را به دست خویش به هلاکت نیفکنید و احسان کنید که خدا احسان کنندگان را دوست دارد. آیه می‌فهماند که بالاترین مقام انسان مقام احسان است.

همچنین در آیات بسیاری از جمله آیات ۲۷۹، ۲۷۸، ۲۷۶، ۲۷۵ از سوره بقره خداوند ربا خواری را به شدت تحریم نموده است و در مقابل در آیات بسیاری از جمله آیه ۲۴۵ از سوره بقره، آیه ۱۷ از سوره تغابن، آیه ۲۰ از سوره مزمل، آیات ۱۱ و ۱۸ از سوره حدید روی قرض الحسنه تاکید خاصی دارد. (من ذالذی یقرض الله قرضا





حسنا فیضعفه له اجر کریم)، ( حدید، آیه ۱۱) کیست که به خدا قرض نیکویی دهد تا خدا برای او چندین برابر کند.

قرآن می‌فرماید: (و اما اوتی کتابه... هلك عنی سلطیة)، ( حاقه، آیات ۲۵ تا ۲۹)، و اما شخص مجرم که نامه اعمالش به دست چپش داده می‌شود در قیامت آرزو می‌کند که ای کاش نامه اعمالم به من داده نمی‌شد و آن را نمی‌دیدم و نمی‌فهمیدم که حسابم چیست و چون می‌بیند که چه عذاب الیمی برایش آماده شده آرزو می‌کند که ای کاش همان مرگ اول که آن را چشیدم واز دنیا خارج شدم کارم را یکسره کرده بودم مرا نابود می‌ساخت و دیگر مبعوث نمی‌شدم و در ورطه عذاب همیشگی قرار نمی‌گرفتم. مجرمان می‌پنداشتند که کلید سعادتشان در زندگی مال، قدرت و مقام است و ثروت و قدرت می‌تواند ناملا ییمات احتمالی را از آنها دفع کند لذا تمام توان خود را صرف به دست آوردن مال و قدرت کرده و قهرا از یاد خدا و هر سخن حقی که به سوی خدایش می‌خواند اعراض کردند و آن را تکذیب می‌نمودند اما حالا می‌بینند که مال و فرزندان به کارشان نمی‌آید و قدرتش باطل شده لذا با حسرت می‌گویند که مال و ثروتم هرگز مرا بی‌نیاز نکرد و قدرتم نیز از دست رفت اما این اعتراف چه سودی دارد؟

با استناد به آیات بسیاری از قرآن کریم از جمله آیه ۴۷ از سوره انبیا و آیه ۳۹ از سوره نور اعمال انسان در روز قیامت دقیق و عادلانه مورد ارزیابی و محاسبه قرار می‌گیرد و خداوند سریع الحساب است.

( و نضع الموازین القسط... و کفی بنا حسین)، (انبیا، آیه ۴۷)

(و الذین کفرو اعملهم کسراب... فوفنه حسابه و الله سریع الحساب)، (نور، آیه ۳۹)

بنابراین اعتقاد به روز قیامت و ارزیابی و محاسبه اعمال و جزای اعمال، همچنین اعتقاد به رزق و روزی مقدر نقش موثری در تنظیم و تصحیح رفتارهای انسان از جمله رفتارهای اقتصادی او دارد و این باور و اعتقاد می‌تواند انگیزه انجام اعمال خیر و پسندیده ( احسان، انفاق، قرض الحسنه، رعایت عدل و انصاف در معاملات و... ) که خشنودی خداوند در آن است و پرهیز از انجام اعمال شر و ناپسند ( ربا خواری، کم فروشی، غش، تقلب، احتکار و... ) که نارضایتی خداوند را به همراه دارد را در انسان‌ها به شدت تقویت نماید. و به این ترتیب بسیاری از مفاسد اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی که در دنیای امروز شاهد آن هستیم رخ ندهد زیرا ایمان قلبی به دنیای باقی پس از این دنیای فانی موجب پایبندی به بسیاری از اصول می‌شود که اجرای آن اصول از جمله اصول حاکم بر اقتصاد از منظر قرآن کریم و تعالیم دینی باعث شکوفایی اقتصاد و اصلاح امور جامعه می‌شود زیرا نفوذ هرگونه خیانت و تقلب و فساد در زندگی اجتماعی و امور اقتصادی پایه‌های اعتماد و امنیت و همدلی و تعاون و کار و تلاش سازنده را که بزرگترین سرمایه و پشتوانه زندگی اجتماعی و اقتصادی است را از بین می‌برد.

## نتیجه

با عنایت به این که بسیاری از مسائل امروزی ریشه در مسائل اقتصادی دارد لذا جهت دهی و سامان بخشی اقتصاد لازمه یک جامعه سالم و پیشرو است. بنابراین برای یافتن اصول اساسی در حوزه اقتصاد باید به آنچه خالق انسان از طریق وحی در قالب هدایت‌های قرآنی معرفی نموده است شناخت کامل حاصل شود زیرا آموزه‌های ملهم از قرآن کریم از یک سو سبب پیدایش انگیزه‌های قوی و مثبت برای انجام اعمال خیر و پسندیده و فعالیت‌ها و تلاش‌های اقتصادی سازنده و از سوی دیگر موجب عدم انجام اعمال شر و ناپسند که موجب نابسامانی‌های بسیاری در راه تحقق تولید و توزیع و مصرف بهینه هستند می‌شود. لذا در این مقاله آموزه‌ها و هدایت‌های قرآنی در پاره ای از مسائل اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم بررسی شد امید است با بهره گیری و عمل به این آموزه‌های سازنده و مثبت در مسیر درست زندگی قرار گیریم و با حل مسائل و مشکلات در حوزه اقتصاد، اقتصاد جامعه سامان یابد و جامعه نیز اصلاح گردد.





## منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی. (۱۳۸۵). چاپ دوم. قم: دار العلم.
- ابن اثیر، مجدالدین. (۱۳۶۴). النهایه. تحقیق طاهر احمد زاوی. قم: موسسه اسماعیلیان.
- ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۴۲۰ق). التحریر والتنویر. بیروت: موسسه التاریخ.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۵ق). لسان العرب. قم: نشر ادب الحوزه.
- آمدی، عبدالواحد تمیمی. (۱۳۶۶). غرر الحکم ودرر الکلم. قم: انتشارات دفتر تبلیغات.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۴). شناخت شناسی در قرآن. چاپ دوم. تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین. تفسیر اثنی عشری. میقات.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۲۱ق). الکشاف عن حقائق التنزیل. چاپ دوم بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- پورسیف، عباس (۱۳۸۲)، خلاصه تفاسیر قرآن مجید (المیزان، نمونه) تهران، نشر شاهد
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر. (۱۴۲۲). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالعلم.
- ری شهری، محمد. (۱۳۶۷). میزان الحکمه. چاپ دوم. تهران: مکتبه الاعلام السلامیه.
- سبحانی، جعفر. (۱۳۶۳). منشور جاوید قرآن. قم: انتشارات توحید.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۴۲۱ق). الدر المنثور. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- شوقی احمد دینا (۱۳۸۹)، برداشت‌های اقتصادی از قرآن کریم، ترجمه محمد صفری، تهران انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۶۲). مجمع البحرین. چاپ دوم. تهران: انتشارات مرتضوی.
- صدوق (ابن بابویه قمی)، محمد بن علی. (۱۴۲۷). التوحید. تصحیح و تعلیق هاشم حسینی  
تهرانی. قم: دفتر نشر اسلامی.

- طباطبایی، محمد حسین. (۱۴۲۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۵۲). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مدرسی، محمدتقی. (۱۳۷۸). من هدی القرآن. ترجمه احمد آرام. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- مصطفوی. (۱۳۷۹). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۷). انسان و ایمان. تهران: انتشارات صدرا.
- مظفر، محمد رضا. (۱۳۸۸). المنطق. قم: اسماعیلیان.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۴). تفسیر نمونه. چاپ بیست و نهم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۸)، قرآن کریم و شرح آیات منتخب، قم، مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران



